

## فضاهای عمومی و ابژه‌های نسلی (مطالعه موردی ترمینال جنوب از منظر روابط نسلی)

علی ایار<sup>۱</sup>، تقی آزاد ارمکی<sup>۲</sup>، مهدی حدادی دیزجی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۵ تاریخ تایید: ۹۰/۰۱/۲۶

### چکیده

روابط اجتماعی همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است، در این میان روابط نسلی و ابژه‌های نسلی موضوع جدیدی در اختیار می‌نهد. این مقاله با رویکردی نسلی و روشی کیفی به روابط بین نسلی و ابژه‌های نسلی در بستر زندگی روزمره و فضاهای عمومی پرداخته است. این مقاله نشان داده است که روابط و ابژه‌های نسلی در فضاهای عمومی به دلیل فقدان محلیت، تصور غریبگی، بی‌ثباتی، تضعیف پیوندهای اولیه (قومی، خویشاوندی و...)، و اثرگذاری پیوندهای فرهنگی و اجتماعی ناشی از خانواده، دین، نظام سیاسی و تقویت پیوندها و تمایزات ثانویه (سیک زندگی، مصرف و...) در عربان‌ترین شکل ممکن متبلور می‌شوند. یافته‌ها نشان داد که نسل‌های سه‌گانه با وجود همسانی‌های کلی فرهنگی و اجتماعی از نظر خرید حمل و مصرف ابژه‌ها و تعامل با افراد، اشیاء و فضای پیرامون در ترمینال جنوب متفاوت عمل می‌کنند.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی، روابط نسلی، ابژه‌های نسلی، زندگی روزمره، مصرف، گروه پایدار، گروه شکننده، گروه ناپایدار.

- 
- ۱- مدرس گروه علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان (پدریس شهید مدرس ایلام).  
aliayar\_85@yahoo.com
- ۲- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.  
tazad@ut.ac.ir
- ۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.  
mahdihadadi@yahoo.com

## مقدمه

روابط اجتماعی<sup>۱</sup> بین افراد همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است، در این میان روابط نسلی<sup>۲</sup> موضوعی جدید برای کنکاش و مطالعه ارائه داده است. اگر چه پرداختن به روابط بین نسلی به روش‌های مرسوم (کمی) در مطالعات جامعه‌شناسی جای خود را باز کرده است، اما پرداختن به روابط اجتماعی بین نسلی در بستر اجتماعی زندگی روزمره که توانایی بازنمایی لایه‌های پنهان روابط بین نسلی و ویژگی‌های نسلی را دارد مغفول مانده است. تفاوت، تمایزات و گسست نسلی از دیرباز یکی از دغدغه‌های دستگاه‌های نظارتی و هدایتی جامعه بوده است، از جانب دیگر، فرایند مدرنیته توأم با تغییرات عمیق در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی تمایزات نسلی را به‌گونه‌ای صریح‌تر نمایان ساخته است. هر چند برخی تحولات مذکور را متأثر از جایگزینی و گزینش‌های متفاوت نسلی می‌دانند که به دنبال هم می‌آیند. تغییر و تحولات در جامعه ایران نشانگر تحول و تغییر در حوزه‌های ارزشی و نگرشی<sup>۳</sup> می‌باشد. این تحولات را باید منبعت از عوامل داخلی (ساخت جوان جمعیت و...) و عوامل بیرونی تلقی نمود. تغییر و تحول مقوله‌ای مختص جامعه مدرن نبوده، تغییر همزاد زندگی اجتماعی انسان است. مطالعه فرایند تغییر در حوزه ارزشی و روابط بین نسلی امکان مدیریت روابط اجتماعی و استمرار نظام اجتماعی و پویایی جامعه را فراهم می‌کند. زیرا روابط اجتماعی به‌عنوان هسته حیاتی نهادها و نظام اجتماعی متأثر از ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که تغییر و زمان‌مند بودن از خصایص بارز آنها می‌باشد. در پرداختن به روابط بین نسلی و شناسایی ارزش‌ها و ابره‌های نسلی نباید از بستر اجتماعی که روابط نسلی در آنها جریان دارد غافل بود، زیرا غفلت از زمینه‌ای که روابط در آن شکل می‌گیرد ممکن است ما را در فهم ماهیت و شکل بندی رابطه به مسیر خطا رهنمون شود.

فضا<sup>۴</sup> یکی از عناصری است که می‌تواند تا حدودی این بستر و زمینه را به ما معرفی کند، برای نیل به شناخت عمیق از روابط بین نسلی مطالعه فضاهایی که روابط بین نسلی در آنها متحقق می‌شود می‌تواند در شناخت ماهیت روابط بین نسلی در شکل واقعی و روزمره خود به ما کمک کند.

در این پژوهش ترمینال جنوب شهر تهران، به مثابه فضایی که در آن روابط بین نسلی متحقق می‌شود، مورد مطالعه قرار گرفته است؛ به دلیل تمرکز منابع متعدد فرهنگی اجتماعی، سیاسی،

1. Social relationship
2. Generation relationship
3. Value and attitude
4. Space

اقتصادی، بهداشتی و... در شهر تهران روزانه شاهد مسافرت خیل عظیمی از مردم با محوریت حضور در شهر تهران با مقاصد متفاوت هستیم، مسافرانی متشکل از گروه‌های متفاوت اجتماعی (طبقه، سن، جنس، قوم) حضور نسل‌ها و گروه‌های متنوع این امکان را فراهم می‌کند که محقق روابط بین نسلی را در بستر واقعیت اجتماعی زندگی روزمره مطالعه کند. از جانب دیگر تصور غریبگی، ناشناسی، بی‌ریشه بودن زمینه و امکان رهایی و آزادی فرد از قیود نظارت غیررسمی و محلیت را فراهم کرده و موجبات مطالعه و مشاهده روابط بین نسلی در صریح‌ترین و واقعی‌ترین شکل خود را فراهم می‌آورد. زیرا مطالعات نشان داده است گمنامی با خودافشایی و بیان آنچه که در دنیای واقعی امکان بازگو کردنش را ندارند، همراه است (دهقان و نیک بخش، ۱۳۸۵) با این وصف، ترمینال به مثابه یک فضای عمومی اگر بازنمایی کلی از زندگی روزمره نباشد، بخشی از زندگی روزمره است، که بستری مناسب برای مطالعه روابط بین نسلی، مشاهده و شناسایی ایزدهای نسلی فراهم می‌کند. هرچند میزان بی‌ثباتی، غریبگی و ناشناسی در این گونه فضاها به اوج خود می‌رسد و ما بیشتر شاهد «گذر و عبور» هستیم تا «توقف و سکون»، اما موضوع جالبی برای مطالعه در اختیار می‌گذارند، زیرا با فراهم نمودن بستر و شرایط تعامل «اجباری و اختیاری» به خلق گونه‌هایی از تمایزات نسلی و خرده‌فرهنگ منجر می‌شوند، این فضا با در هم شکستن تمایزات اولیه (قومی، خویشاوندی، سنتی و...) پیوندها و تمایزات ثانویه (سبک زندگی) را برجسته می‌کند که از خلال آن می‌توان به موضوع روابط نسلی به‌گونه‌ای صریح و واقعی‌تر به دلیل «فقدان محلیت» و «نظارت غیررسمی» پرداخت. این مقاله ضمن توصیف ترمینال به مثابه فضای عمومی به دنبال فهم روابط بین نسلی و شناسایی ایزدهای نسلی در فضاهای عمومی است.

در این مقاله ضمن توصیف مختصر ترمینال جنوب به‌عنوان فضا و ظرفی که روابط بین نسلی در آن شکل می‌گیرد پرسش اصلی عبارت است از:

فهم روابط بین نسلی و شناسایی ایزدهای نسلی در فضاهای عمومی.

مباحث و مطالعات پیرامون نسل و روابط نسلی از قدمت چندانی برخوردار نیست. هر چند نگرانی از کم و کیف این روابط قدمت دیرینه‌ای دارد. معدود مطالعات صورت گرفته در این زمینه نیز مبتنی بر روش‌های پیمایشی بوده است اگر چه مطالعات پیمایشی در این زمینه راهگشا و مفید به نظر می‌رسد، اما پرداختن به موضوع روابط بین نسلی در بستر زندگی روزمره و فضاهای عمومی از حلقه‌های مفقوده مطالعات نسلی بوده و می‌تواند مکملی برای مطالعات مذکور تلقی گردد. زیرا مطالعه روابط نسلی در فضاهای عمومی در عریان‌ترین شکل خود ممکن می‌شود و از جانب دیگر نباید غافل بود که تعامل و روابط بین نسلی فقط در محله‌ها و اجتماعات کم و بیش سازمان یافته و ریشه دوانده اتفاق نمی‌افتد، بلکه در فضاهای به ظاهر

بی‌ریشه و سازمان نیافته مثل ترمینال نیز روابط اجتماعی در معنی اعم خود و روابط بین نسلی به‌گونه‌ی خاص نیز شکل می‌گیرد، ویژگی این فضاها و از همه مهم‌تر تصور افراد در مورد آن‌ها امکان مطالعه عربیان و آشکار علایق، رفتارها و ابژه‌های نسلی<sup>۱</sup> در این فضاها را فراهم می‌کند.

### روش شناسی

داده‌های این پژوهش بر اساس روش کیفی<sup>۲</sup> فراهم شده است در این تحقیق با استفاده از تکنیک‌های مشاهده و مشاهده مشارکتی و مصاحبه و گفتگو به جمع‌آوری داده‌ها اقدام شده است.

- جامعه مورد مطالعه متشکل از دو گروه می‌باشد. گروه اول افرادی را شامل می‌شود که در ترمینال دارای موقعیت ثابت و تعریف‌شده‌ای هستند مانند: فروشنده‌گان، کارمندان، بخش خدمات، تبلیغات، کارکنان تعاونی‌ها و غیره.

- گروه دوم: افرادی هستند که ظاهراً به قصد مسافرت در ترمینال حاضر می‌شوند.

- نمونه‌گیری<sup>۳</sup>: در روش‌های کیفی برخلاف روش‌های کمی که در آن‌ها نمونه‌گیری به قصد تعمیم آماری صورت می‌گیرد، هدف روشن کردن جزئیات و نوع روابط بین مفاهیم و مقولات محوری تحقیق است که از بررسی داده‌های اولیه آشکار شده است (ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۶).

حجم نمونه بر خلاف تحقیقات کمی بر اساس فرمول برآورد نمی‌شود، بلکه حجم نمونه بر مبنای اشباع نظری تعیین می‌شود. یعنی اینکه مصاحبه و مشاهده را تا جایی ادامه می‌دهیم که یافته‌های جدیدی در پاسخ مصاحبه‌ها موجود نباشد (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۳۷) و (همالاتا داندکار، ۱۳۸۱: ۳۸) در مجموعه ۳۰ نفر از سه گروه عمده پایداران (کارکنان خدماتی، نظارتی) و از گروه‌های شکننده (دستفروش، باربر، پرسه‌زن) و مسافران که به مثابه گروه ناپایدار مورد مصاحبه قرار گرفتند با بیش از ۴۰ نفر از آن‌ها نیز گفت و گویی صورت گرفته است.

### گردآوری اطلاعات

در این تحقیق از دو تکنیک گردآوری اطلاعات استفاده شده است مصاحبه که بیشتر برای گروه‌های پایدار مناسب بود و مشاهده که ضمن استفاده در کلیت مطالعه در ترکیب با گفت‌وگو برای مطالعه و گردآوری اطلاعات از گروه‌های ناپایدار و شکننده مفید بنظر می‌رسید.

بازبودن فضای ترمینال و غریبه بودن آن شناسایی پرسه‌زن‌ها، و دسته‌های مسافر نماهای گروه‌های شکننده سخت می‌کرد، برای غلبه بر این مشکل از یک تاکتیک «تعقیب و مراقبه»

1. Generation Objects
2. Qualitative method
3. sampling

به‌عنوان تست برخی فرضیه‌ها استفاده شد که در نهایت موفق به شناسایی گروه‌هایی از پرتس‌زنان شد.

### مفاهیم

نسل: در این پژوهش نسل به گروهی از افراد هم‌دوره اشاره دارد که به موجب هم‌دوره بودن دارای تجارب و ابزارهای مشترک هستند و از آن‌جا که مطالعه مبتنی بر روش کیفی بوده است نسل را در سه مقوله پیر، میانسال و جوان مورد دسته‌بندی و مطالعه قرار داده شده است. فضای عمومی<sup>۱</sup>: فضا جایی است که هرکسی آن‌جا مورد ادراک دیگری قرار گرفته (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۹۳) و به انسان امکان زیستن و کنش در محیط عرضه کرده و امکان ارتباط انسان با انسان، با اشیا و اشیا با یکدیگر را فراهم کند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۶-۲۳۸).

ابژه نسلی: ابژه نسلی آن پدیده‌هایی هستند که برای ایجاد حس هویت نسلی به‌کار می‌گیریم (بالس، ۱۹۸۰: ۹).

### مروری بر ادبیات تجربی و نظری

از دهه‌های ۱۹۵۰ به بعد است که با نقد جامعه‌شناسی اثبات‌گرا، جامعه‌شناسی انتقادی و تضادگرا جامعه‌شناسی نسلی مطرح شد (آزادارمکی، ۱۳۸۶). آغازگر «بحث مفهومی در مورد نسل در جامعه‌شناسی کارل مانهایم<sup>۲</sup> است. او در سال ۱۹۲۵ در مقاله‌ای تحت عنوان «مشکل نسل‌ها» بحث از نسل‌ها را به‌طور جدی شروع نمود (بهار، ۱۳۸۶: ۸۷). هر چند قبل از مانهایم تئودور لیت<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۷ رساله کوچکی تحت عنوان روابط بین نسل‌ها، گذشته و امروز نوشته بود. «لیت در این نوشته ادعا کرد که تضاد نسل‌ها و بحران پدر-فرزند که ما تجلی آن را در جنبش جوانان مشاهده می‌کنیم امری است که به گذشته تعلق دارد. تجربه مشترک فجایع جنگ و وظایف بازسازی پس از آن سبب نزدیکی نسل‌ها شده است (شفرز، ۱۳۸۴: ۴۰)، آیزنشتاد<sup>۴</sup> در سال ۱۹۵۶ در تحلیل خود تحت عنوان «از نسل به نسل» نشان داد که هر نسل از جامعه و اشیا و زندگی خود مبتنی بر مجموعه شرایطی است که در آن رشد یافته تجاری بدست آورده و مشکلات طاقت فرسایی را تجربه کرده است (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۸).

در ایران و تا قبل از دهه ۶۰ سخنی از مطالعات نسلی نبوده است، هر چند از دهه ۱۳۳۰ مباحثی در این زمینه متأثر از رویکرد جمعیت‌شناختی صورت گرفته است (آزادارمکی، ۱۳۸۶:

1. General Space
2. Karl Mannheim
3. Theoderlitt
4. Eisentat

۴۶-۴۵). برخی از مطالعات داخلی در این زمینه عبارتند از: توکلی، که از مخالفان گسست نسل است در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی» بنا بر یافته‌ها معتقد است که فرضیه شکاف نسلی<sup>۱</sup> در میان نمونه تحقیق تأیید نشده است (توکلی، ۱۳۸۲ به نقل از آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۵۰). آزادارمکی در اثری تحت عنوان «جامعه‌شناسی نسلی در ایران» ضمن طرح مباحث نظری پیرامون نسل و روابط نسلی به وجود تفاوت بین نسل‌های قدیم و جدید اذعان داشته و بیان می‌کند که نسل‌ها از طریق خانواده و دین و نظام سیاسی به یکدیگر متصل شده و امکان انفکاک و انقطاع نسلی متصور نیست (آزادارمکی، ۱۳۸۶). آغاچری در مقاله‌ای تحت عنوان «انقطاع نسل‌ها - انسداد نسل‌ها» معتقد است که انقطاع نسلی از مسایل دوره جدید و جوامع جدید است نه جوامع سنتی، که در آن فرزندان به‌طور دائم پدران نسل قبل از خود را باز تولید می‌کنند، وی ضمن اشاره به اسطوره تاریخی رستم و سهراب به فرزندکشی به‌عنوان سنت تاریخی ما اشاره می‌کند که در تقابل با افسانه یونانی است که در آن ادیوس پدر خود را می‌کشد؛ در آنجا با پدرکشی و در اینجا با پسرکشی مواجه هستیم. او عقیده دارد که اسطوره پسرکشی یعنی اینکه نسل گذشته نسل پدر خود را باز تولید می‌کند و نمی‌گذارد که نسل بعدی خود را بیان کند و در واقع استمرار وجه غالب و دگرگونی وجه مغلوب است (آغاچری، ۱۳۸۳: ۱۵۴). برخی دیگر از مطالعات روابط نسلی عبارتند از: محمدجواد چیت‌سازی قمی در مقاله «گسست نسل در ایران افسانه یا واقعیت» معتقد است که جمعیت شهری ما با گسترش ارتباطات و آگاهی‌های سیاسی اجتماعی در مقایسه با دهه‌های قبل کاملاً دگرگون شده است (چیت‌ساز، ۱۳۸۲: به نقل از محسنی، ۱۳۸۶: ۹). حمید عبدالهیان (۱۳۸۲) در مقاله تغییرات فرهنگی و شکاف نسلی در ایران اشاره می‌کند نسل‌های جدید ایران از نسل‌های دهه ۴۰ و ۵۰ متفاوت است و خانم توکلی در تحقیقی با عنوان بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های ارزشی دو نسل دختران و مادران و میزان پیوستگی با شکاف ارزشی این دو نسل اشاره می‌کند که علی‌رغم نگرانی در مورد تعلق خاطر جوانان به ارزش‌های مذهبی تعلق خاطر آن‌ها به ارزش‌ها نسبتاً مطلوب است و از این حیث فاصله عمیق میان دو نسل مشاهده نمی‌شود (همان، ۹-۱۱).

اما برخی از تحقیقات که به نوعی روابط نسلی را در بستر زندگی روزمره مورد مطالعه قرار داده‌اند عبارتند از مقاله‌ای تحت عنوان «ابژه‌های دینی و هویت نسلی در ایران با تکیه بر ابژه‌های عزاداری». مه‌ری بهار در این مقاله اشاره می‌کند، که هر نسلی بر اساس موقعیتی که در آن قرار دارد ابژه‌هایی را بوجود می‌آورد و مصرف می‌کند، او با مقایسه نسل‌ها به تفاوت

ایژه‌های نسلی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که نسل اول از ایژه‌های کمتری در مقایسه با نسل‌های بعدی استفاده می‌کند و مراسم‌گراتر است. در حالی که نسل دوم ایده آل‌گرا و نسل سوم ضمن اینکه مراسم‌گرا می‌باشد و به جهان جدید و نیازهای مطرح در آن توجه دارد، ایژه‌های بسیار زیادتری داشته و جهان وی مملو از ایژه‌های متعدد، رنگارنگ و لوکس می‌باشد که بر ساخته زمان صلح هستند (بهار، ۱۳۸۶: ۹۷).

اباذری و کاظمی در مقاله‌ای با عنوان: «زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران» به بررسی زندگی روزمره در جامعه ایرانی از خلال مراکز خرید پرداخته و ضمن اشاره به چند گروه پرسه‌زن از جمله زنان پاساژرو و نوجوانان خطاکار، فقرا و جنوب شهری‌ها و بازنشستگان به تمایز در مقاصد پرسه‌زنی در میان گروه‌های مذکور اشاره کرده و نتیجه می‌گیرند که مردم در مکان‌هایی چون مراکز خرید، تشکیل شبکه و جبهه‌ای از حاشیه‌ها می‌دهند، این شبکه‌ها به‌واسطه خلق فضاهای بی‌شمار و ناهمگن، همگنی مراکز خرید را زیر سؤال می‌برند و از طریق پرسه‌زنی، معنی‌سازی، به‌واسطه مصرف فرهنگی خاص و دستکاری موقعیت مکان تولید لذت می‌کنند. مقاومت، معنی و لذت سه محصول مهمی هستند که به‌واسطه همین نیروی به‌ظاهر غیر مولد تولید می‌شوند (اباذری و کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۰۵).

خانم سهیلا علی‌رضانژاد و حسن سرایی در مقاله‌ای با عنوان: «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن» بر اساس داده‌های بدست آمده نتیجه می‌گیرند که زنان تحصیلکرده و شاغل امکان استفاده از مکان و فضاهایی را دارند، که زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی و شغل این امکان را ندارند و محل کار مهم‌ترین مکانی است که زنان برای ورود به آن از خانه خارج می‌شوند (علی‌رضا نژاد و سرایی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

### رویکردی نظری به نسل

**نظریه بالس:** «کریستوفر بالس<sup>۱</sup> معتقد است که از برخی جهات می‌توان گفت که یک نسل عبارت است: از فاصله میان والدین با فرزندان، بدین ترتیب اگر سن بچه‌دار شدن را مثلاً بین بیست الی بیست و پنج سالگی فرض کنیم، آن‌گاه هر ۲۰ تا ۲۵ سال یک نسل جدید به وجود می‌آید. بسیاری از مردم در طول عمر خویش شاهد حضور چند نسل هستند: پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، نسل خودشان و فرزندان‌شان و حتی نوه‌های‌شان» (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۶) (بالس، ۱۳۸۳: ۶). عنصر تمایزدهنده نسل به نظر بالس ایژه می‌باشد «ایژه» ضمن اینکه افراد درون نسل خاصی را به یکدیگر مرتبط می‌کند، عاملی برای تمایز افراد بین دو نسل نیز می‌باشد» (بهار، ۱۳۸۶: ۹۰). بالس در تعریف ایژه‌های نسلی می‌گوید: «آن پدیده‌هایی هستند که برای ایجاد

1. Chirstofer Bollas

حس هویت نسلی<sup>۱</sup> به کار می‌بریم این ابژه‌ها چه بسا توسط نسل‌های قبلی نیز استفاده شده باشند اما برای آنان حکم چارچوب شکل‌دهنده یک نسل را نداشته‌اند؛ حال آنکه برای کودکان که بعدها در سنین جوانی با تجربه کردن این ابژه‌ها به نحوی ناخودآگاهانه احساس همبستگی (نسلی) می‌کنند، چنین حکمی را دارند» (بالس، ۱۳۸۳: ۹). «بژه‌های نسلی به ذهن کمک می‌کنند تا خاطرات گذشته را به یاد آوریم به عبارت دیگر هر ابژه‌ی نسلی بخشی از تجربه ما از دوره و زمانه‌مان را در خود نگه می‌دارد اما این ابژه خصوصیت فردی ندارد، یعنی برداشتی را که از دوره نسل خودمان داشته‌ایم برای ما باز می‌آفریند، از این لحاظ ابژه نسلی با سایر ابژه‌هایی که نقش یادآور دارند (مانند خاطراتمان از خانه‌ها یا شهرهایی که قبلاً در آن‌ها زندگی کرده‌ایم یا خاطراتی که از اعضای خانواده‌مان داریم) متفاوت است پس می‌توان گفت ابژه نسلی عبارت است از شخص، مکان، شیء یا رویدادی که از نظر فرد مبین نسل اوست و به یادآوردن‌اش احساسی از نسل خود او را در ذهنش زنده می‌کند» (همان، ۱۳).

به نظر او نظریه پردازان فرهنگ عامه و نیز تاریخ نگاران بر این اعتقادند که هر ۱۰ سال شکل جدیدی از ذهنیت نسلی ظهور می‌کند. "ما هر ۱۰ سال، از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، پندارها، علایق خبری دیدگاه‌های سیاسی و قهرمان‌های اجتماعی خود تعریفی جدید ارائه می‌کنیم و این مجموعه عینی و ذهنی در هر ۱۰ سال به نحوی دگرگون می‌شود. در نتیجه هر دهه به عنوان کوچک‌ترین واحد زمانی برای تعیین فرهنگ جمعی می‌تواند بکار رود» (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۷)، بالس عقیده دارد «شکل‌گیری هر نسل جدید خواه ناخواه نسل‌های قبلی را بهت زده می‌کند گذشت زمان در ما اضطراب می‌آفریند چرا که ما را و دوستانمان، عزیزانمان و دوره و زمانه‌مان را به انقضای نزدیکتر می‌کند» (بالس، ۱۳۸۳: ۱۵).

اینگلهارت: اینگلهارت به دگرگونی ارزشی در جوامع صنعتی اشاره می‌کند و مدعی است که گرایش به ارزش‌های فرامادی در نسل جدید نسبت به ارزش‌های مادی بیشتر شده است، به عبارت دیگر نسل جدید به ارزش‌های فرامادی اولویت می‌دهد. وی در تشریح و تبیین این وضعیت به طرح دو فرضیه پیش‌بینی کننده می‌پردازد که عبارتند از:

۱- فرضیه کمیابی<sup>۲</sup> که بنا بر این اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی اوست. به نحوی که شخص بیشترین ارزش‌های ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن نسبتاً کم است.

۲- فرضیه اجتماعی شدن<sup>۳</sup> که در آن ارزش‌های اجتماعی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است، این فرضیه بیانگر آن است که ارزش‌های فردی و اجتماعی یک شبه تغییر نکرده، بلکه به‌گونه‌ای تدریجی و نامریی متحول می‌شود و این

1. Generation Identity
2. Scarcity hypothesis
3. Socialization hypothesis



دگرگونی در مقیاس وسیع زمانی پدید می‌آید که یک نسل جوانتر جایگزین نسل مسن‌تر شود. و به گونه‌ای ویژه پس از یک دوره افزایش امنیت جانی و اقتصادی انتظار می‌رود و الویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگتر و جوانتر به گونه‌ای محسوس متمایز شود (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۶: ۴-۳۳) و (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۲) و (اینگلهات، ۱۳۷۳: ۱۱۵).

### روپکردی نظری به فضا

فضاها به انسان امکان زیستن و کنش در محیط عرضه می‌کنند، «یعنی رابطه‌ای پیوسته از کنش متقابل با آن دارند، از آن تغذیه می‌شوند و آن را تغذیه می‌کنند از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند در آن فضا حرکت و با این حرکت خود در آن فضا معنا می‌آفرینند. اجزای فضا را به نشانه‌های معناداری برای خود تبدیل می‌کنند و یا نشانه‌هایی از بیرون بر فضا می‌افزایند.» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). راپوپورت<sup>۱</sup> فضا را بر درک فضا به عنوان مجموعه‌هایی پویا از صحنه‌ها<sup>۲</sup> می‌داند. صحنه به نظر او محدوده‌ای از فضا است که نظامی از فعالیت‌ها را در درون خود جای می‌دهد. به صورتی که رفتارها با محیط درون آن فضا روابطی قابل انتظار به وجود آورند. بنابراین هر صحنه را می‌توان مکانی با فعالیت ویژه دانست او معتقد است که در درون یک فضا می‌توان محیط‌های بیشماری را یافت. در درون این فضاها سه نوع رابطه شکل می‌گیرد که عبارتند از:

۱. انسان‌ها با یکدیگر.

۲. انسان‌ها با اشیاء.

۳. اشیاء با یکدیگر (همان، ۲۳۷-۲۳۸).

تأکید این پژوهش بیشتر بر روابط انسان‌ها با یکدیگر و انسان‌ها با اشیاء به عنوان ابره‌های نسلی در ترمینال به عنوان فضای عمومی می‌باشد.

**ایزاک ژوزف<sup>۳</sup>:** فضاهای عمومی را مکانی تعریف می‌کند که آن‌جا هر کسی در معرض ادراک دیگری قرار دارد. فضای عمومی هیچ جایی را تخصیص نمی‌دهد، اگر می‌توان در آن تصرف کرد این تملک و تصرف جزئی است، فضای عمومی تغییر ماهیت یافته است به یک قرارگاه (سایت) مبدل می‌شود. اصطلاحی نمادین برای بیان رابطه‌ای با فضا یا سرزمینی خصوصی شده؛ تنها صفتی که برای تعریف فضای عمومی پیش از همه مناسب است در دسترس بودن آن است. این قابل دسترس بودن کاربردها را توصیف و اثرات تبعیض را بیان می‌کند ولی فضای عمومی نه کاملاً اختصاصی می‌شود و نه تصاحب شدنی است. بنابراین فضای عمومی فضایی است که

1. Rapoport  
2. setting  
3. Isaac Joseph

مزاحم یا متجاوز را می‌پذیرد هر چند هنوز جایگاهش را نیافته است و هنوز آزادی رفت و آمدش را واگذار نکرده است (فیالکوکف، ۱۳۸۳: ۹۳).

اریک لارسن<sup>۱</sup>: از نظر اریک لارسن «شهر بیش از آنکه از چیزها تشکیل شده باشد از تفاوت‌ها تشکیل شده، تفاوت‌های مادی که جهت‌های لازم را برای آنکه بدانیم به کجا و چگونه باید حرکت کنیم به ما می‌دهند. شهر بین ما تفاوت بوجود می‌آورد و این تفاوت‌گذاری را از راه آنچه گوش‌هایمان چشم‌هایمان و بینی‌هایمان به دستگاه حسی ما منتقل می‌کنند انجام می‌دهد. حس‌های ما تفاوت میان زمان باز و بسته بودن کار و اوقات فراغت، ثروت و فقر کنش‌های متقابل متعارض و صلح‌آمیز، انفراد و همبستگی، ناشناسی یا هویت‌مندی و ضوابط و قوانین ورود و گذر را به ما می‌گویند، این تفاوت‌های اجتماعی به ما امکان می‌دهند که خود و اعمال خود را در ارتباط با هویت اجتماعی خویش و هنجارهای نوشته یا نانوشته هدایت کنیم.» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۰۳). همین پیش‌فرض‌ها را در مورد فضاهای عمومی می‌توان به کار گرفت که چگونه فضا بین کنش‌گران تفاوت ایجاد کرده و کنش‌گران چگونه تمایزات نسلی خویش را از طریق هنجارهای نوشته و نانوشته در این فضاها نشان می‌دهند.

### رویکرد نظری تحقیق

در این مطالعه از نظریه‌های متفاوت پیرامون نسل بر نظریه‌های بالس و اینگلهارت<sup>۲</sup> تمرکز و تأکید شده است و برای پرداختن به روابط بین نسلی علاوه بر تئوری‌های مذکور از رویکرد نظری فضایی ژوزف و راپوپورت استفاده شده است. فرض تحقیق بنابر تئوری اینگلهارت این است که تحولات اجتماعی اقتصادی سیاسی دهه اخیر جامعه ایران را متحول نموده، و این تحولات منجر به تمایز ارزشی بین نسل‌های سه گانه شده است که مبتنی بر تئوری بالس این تمایزات می‌تواند خود را در تعلق به ابروها، خرید، رفتار، تعبیر زبانی و غیره نمود پیدا کند. از جانب دیگر پرداختن به ابعاد نظری فضای عمومی تشریح تمایزات ارزشی و ابروهای نسلی و تبلور آن‌ها به گونه‌ای عریان و صریح به دلیل فقدان محلیت و نظارت غیررسمی را ممکن می‌سازد به عبارت دیگر ما می‌توانیم موضوع روابط نسلی را در قالب کنش افراد با همدیگر و افراد با اشیاء که متأثر از تحولات ارزشی است در چارچوب فضای عمومی (ترمینال) که مستعد ایجاد شرایط تعامل اختیاری و اجباری است مشاهده و تبیین کنیم.

در مجموع می‌توان گفت که ترمینال از زیرمجموعه فضاهای کاربردی شهر محسوب می‌شود و این فضاهای کاربردی عبارتند از: مراکز مبادلاتی، تولیدی، خدماتی و کالاهای عمومی روزمره.

1. E. Larsen

2. R. Ingelhart

مراکز فعالیت‌های مبادلاتی حوزه‌های وسیعی را در بر می‌گیرد از جمله مراکز مبادلات مالی و بازرگانی، اداری، تجاری، واسطه‌ای و نهایتاً مراکز فعالیت‌های حمل و نقل که در این پژوهش به مثابه فضای عمومی و ظرفی که روابط بین نسلی در آن متبلور می‌شود مورد مطالعه قرار گرفته است؛ در توصیف این مراکز فضاها می‌توان گفت «این بخش شامل فضاهایی چون بندرها، پایانه‌های مسافری و باری (ایستگاه‌های قطار، اتوبوس، فرودگاه‌ها) پل‌ها، تونل‌ها، راه‌ها و راه‌های آهن می‌شوند، محل استقرار این فضاها بستگی زیادی به شکل شبکه دارد و بنا به مورد می‌توان استقرار آن‌ها را در نقاط مرکزی شهر یا حومه آن مشاهده کرد.» (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۶۶). به تعبیر فیالکوف<sup>۱</sup> شهر فقط از محله‌ها و اجتماعات کم و بیش ریشه دوانده تشکیل نشده است بلکه در آن فضاهای عمومی وجود دارد که قواعد عملکرد آن متفاوت از قواعد محیط‌های محلی است (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۹۲). هر چند در این فضاها از جمله مراکز حمل و نقل و به گونه‌ای ویژه در ترمینال‌های مسافری ما بیشتر با «گذر و عبور» مواجه هستیم و کمتر شاهد «توقف و سکون» هستیم با وجود این در این گونه فضاها قابلیت شکل‌گیری خرده‌فرهنگ وجود دارد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۹۰) زیرا فضا فرهنگ است و فرهنگ فضا و فضاها جو مبادلات فرهنگی را به صورت اجباری و اختیاری فراهم می‌سازند (ربانی، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۸).

### یافته‌ها و نتایج

هرچند پرسش محوری پژوهش چگونگی روابط بین نسلی در فضای عمومی (ترمینال) می‌باشد. اما توصیف فضا، کنشگران و نحوه مصرف و تصاحب فضا در ترمینال به عنوان یک هدف فرعی ضروری بنظر می‌رسد، زیرا ترمینال به مثابه فضای عمومی ظرفی است که در آن روابط بین نسلی نمود پیدا می‌کند.

### توصیف ترمینال

این ترمینال در جنوب شهر تهران و در منطقه خزانه واقع شده است این مرکز که در سال ۱۳۵۲ بنا شده است یکی نمونه از معماری‌های منحصر بفرد می‌باشد. ترمینال دارای دو طبقه و فضای پیرامونی آن به وسیله اتوبوس‌ها، جمعیت پایدار، ناپایدار و شکننده چنان پر شده است، که کمتر برای فراغت و پرسه‌زنی مناسب به نظر می‌رسد (دارای مساحت تقریبی ۱۷۰۰۰ متر مربع) است. طبقه همکف را دفاتر تعاونی‌ها، کلانتری، بانک، بوفه‌ها و مغازه‌ها و فروشندگان محصولات فرهنگی، دفتر تبلیغات فرهنگی، مرکز خدمات اینترنتی، ساندویچی، سرویس بهداشتی و سالن انتظار مسافران شامل می‌شود.

طبقه دوم نمازخانه، رستوران، مدیریت ترمینال قرار دارند. طبقه دوم غالباً از طبقه اول خلوت‌تر و آرام‌تر به نظر می‌رسد. در این مرکز ۱۹ تعاونی وجود داشته و روزانه چیزی حدود ۵۰ هزار مسافر را جابجا می‌کنند؛ این ترمینال حوزه‌های جنوب، جنوب شرقی، جنوب غربی و غربی و مرکزی ایران را از حیث جابجایی مسافران پوشش می‌دهد.

### تیپولوژی گروه‌های حاضر در ترمینال

در یک سنخ‌شناسی کلی ما با سه گروه روبرو شده‌ایم که در ادامه به توصیف هر یک با توجه به زیرگروه‌ها و وضعیت روابط نسلی‌شان می‌پردازیم:

**گروه‌های پایدار<sup>۱</sup>:** این گروه در محیط ریشه دوانده، پایدار و نسبتاً با دوام است که شامل کارکنان خدماتی، کارکنان تعاونی‌ها، پرسنل انتظامی، سپاه، فروشندگان محصولات فرهنگی، سوپرمارکت‌ها و آرایشگاه می‌باشند. به غیر از روابط رسمی تعامل چندانی بین این گروه‌های متنوع و متعدد در فضای ترمینال مشاهده نمی‌شود، زیرا ترمینال از لحظه آغاز شاهد خیل عظیمی از مسافران است که با باز شدن در ترمینال چنان مشغله‌ای برای گروه‌های پایدار مستقر در ترمینال ایجاد می‌کنند و آن‌ها را به خود مشغول می‌کنند که امکان ضعیف‌ترین تماس‌ها و تعاملات بین گروهی از این دسته سلب می‌شود. به نوعی که کمتر می‌توان شاهد چرخ زدن یک مغازه‌دار یا کارکنان یک تعاونی در محوطه ترمینال بود.

تنها نیروهای خدماتی و نظارتی هستند که بواسطه نوع شغل و ضرورت حضور در نقاط مختلف این فضا امکان تعامل برون‌گروهی برایشان فراهم است. آنچه در فضای داخل ترمینال غلبه دارد تعاونی‌ها هستند؛ تعاونی‌ها که بیشتر تبلور یک بازار رقابتی هستند از طریق نمادها به رقابت می‌پردازند.

نصب تابلوهای شیک و لوکس طراحی و چاپ بلیط با تصاویری از نشانگان مقصد (بناهای تاریخی و طبیعی و...) و جارچیان با استقبال متجاوزانه و غیرمؤدبانه (نظیر نزدیکی بیش از حد به مسافر و نقض حریم شخصی افراد) این رقابت را به نبردی تن به تن متشابه می‌سازند.

«در تاریخ ۸۶/۱۱/۱۵ در حالی که در درب جنوبی ترمینال مشغول مشاهده کنش افراد در این فضا بودیم جوانی مسافر با ساک وارد و همزمان توسط چند جارچی با سخنانی همچون اصفهانی، تعاونی X حرکت فوری، اصفهان، مشهد، ولو، تعاونی (مورد استقبال قرار گرفتند) مشاهده نگارندگان مورخه ۸۶/۱۱/۱۵».

تعاملات ضعیف گروه پایدار فضای ترمینال به حدی است، که تاکنون به رغم کاستی‌های مادی در فضای ترمینال هیچ‌گونه کنش صنفی و جمعی صورت نگرفته است. «هن تاکنون هیچ

اعتراضی از جانب کارکنان و مغازه‌داران اینجا را ندیدم اما مسافران زیاد اعتراض می‌کنند. " (مصاحبه با کارمند خدماتی دارای ۲۰ سال سابقه در ترمینال ۸۶/۱۰/۳)؛ شواهد تاریخی در مورد ترمینال‌ها تأیید کننده یافته‌های تحقیق است زیرا ترمینال‌ها برخلاف بازار در تحولات تاریخ معاصر ایران کوچک ترین نقشی را ایفا نکرده است. از منظر نسلی، نسل اول و دوم بیشتر در دفاتر تعاونی‌ها و مشاغل خدماتی و جارچی‌ها غالباً بنا بر مشاهدات نسل سومی‌ها هستند. مشاغل فرهنگی و عرضه‌کنندگان خدمات و مواد مصرفی مسافران عمدتاً جوانان و میانسالان می‌باشند.

**گروه‌های شکننده<sup>۱</sup>**: منظور گروه‌هایی است که چندان پایداری و دوام ندارند. این گروه را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد: ۱-۲. کچروان و ۲-۲. دست فروشان و باربران.

کچروان عمدتاً شامل جوانان پرسه زنی هستند، از مناطق متفاوت شهر تهران و عمدتاً خزانه، نازی آباد و شوش که ترمینال را به مثابه پاتوق مورد استفاده قرار می‌دهند. «هن حدود ۵ ساله اینجا می‌آم با دوست دخترم قرار دارم کسی ما را اینجا نمی‌شناسد. اینجا بیشتر محل ملاقات ما است بعداً می‌رویم پارک بعثت و...» (جوان ۲۴ ساله پسر ۸۶/۱۲/۲) همان‌گونه که از مصاحبه استنباط می‌شود "غریبگی" پتانسیل‌های خاصی در فضاهای عمومی ایجاد می‌کند.

گروه دیگر روسپیان و دختران فراری که به شکل پرسه‌زنی و تظاهر به مسافرت، در فضای خاصی از ترمینال خود را به مشتریان عرضه می‌دارند.

گروه دیگر فروشندگان کالاهای ممنوعه (مواد مخدر و CD غیر مجاز و...) هستند که به سبک خاصی و با احتیاط مشتریان خود را گزینش می‌کنند. نکته قابل تأمل در مورد فروش (CD غیرمجاز و داروهای جنسی، و سایر کالاهای ممنوع) این است که فروشندگان با احتیاط تقریباً تمامی نسل‌ها و تیپ‌های حاضر را مخاطب قرار می‌دهند، وضعیت مذکور شاید بیانگر این نکته باشد که در زمینه آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد و سکسوالیته پدیده‌های فرا نسلی در ایران هستند که تنها در محیط‌های فاقد محلیت و نظارت غیررسمی قابل مشاهده و تبیین می‌باشند. از منظر نسلی عمده پرسه‌زنان از نسل سوم بوده و جوانان دختر و پسر هستند. دختران فراری بنا به مصاحبه با جوانان پرسه‌زن ساکن تهران، دختران شهرستانی بوده و روسپیان عمدتاً زنان میانسال می‌باشند.

بخش دیگر گروه شکننده، دست فروشان و باربران می‌باشند. این گروه متشکل از افرادی است که به قصد درآمد فضای ترمینال را به گونه‌ای شکننده مورد استفاده قرار می‌دهند، یعنی مقارن با رکود و رونق درآمدی تصمیم به خروج یا ورود به این فضا می‌گیرند و دستفروشان در عین

غریبه بودن، رقابتی و نامنظم عمل می‌کنند و همچنین فضا را به گونه‌ای نامنظم<sup>۱</sup> و تعریف نشده تصاحب کرده و مصرف می‌نمایند؛ اما باربران به گونه‌ای تعاملی، صمیمانه و منظم در چند گروه در فضایی تعریف شده از ترمینال سامان یافته‌اند. و به لحاظ نسلی دستفروشان عمدتاً پیر و میانسال و باربران عمدتاً میانسال و برخی جوان هستند. «*عده‌ای از ما اینجا و عده‌ای آنجا کار می‌کنند ما همه مال یک شهر هستیم، آشناسیم با هم دوستیم اون‌ها هم با هم رفیق هستند و مال یک شهر، وقتی من نباشم دوستان مواظب چرخند و به نوبت بارها را می‌بریم و...*» (۸۶/۱۱/۲ - مصاحبه با باربر)

#### جدول (۱): توزیع نسلی گروه‌های حاضر در ترمینال

| گروه‌های عمده | زیرگروه‌ها         | غلبه نسلی به ترتیب              |
|---------------|--------------------|---------------------------------|
| ۱. پایدار     | نظارتی‌ها          | ۱. میانسالان ۲. جوانان          |
|               | خدمتی‌ها           | ۱. میانسالان                    |
|               | کارکنان تعاونی‌ها  | ۱. میانسالان ۲. پیران           |
|               | فروشنده‌گان ثابت   | ۱. جوانان ۲. میانسالان          |
| ۲. شکننده     | پرسه‌زنان          | ۱. جوانان (دختر و پسر)          |
|               | دستفروشان          | ۱. میانسالان ۲. پیران ۳. جوانان |
|               | باربران            | ۱. میانسالان ۲. جوانان          |
|               | رانندگان           | ۱. میانسالان                    |
|               | کمک رانندگان       | ۱. جوانان                       |
|               | جارچی‌ها و مبلغین  | ۱. جوانان ۲. میانسالان          |
|               | دله دزدها          | ۱. جوانان                       |
|               | دختران فراری       | ۱. جوانان                       |
|               | روسی‌ها            | ۱. میانسالان ۲. جوانان          |
|               | متکدیان            | نسل‌های سه‌گانه                 |
| ۳. ناپایدار   | مسافران زن (مؤنث)  | ۱. جوانان، ۲. میانسالان         |
|               | مسافران مرد (مذکر) | ۱. جوانان ۲. میانسالان          |

رانندگان و کمک رانندگان یک گروه دیگری از گروه‌های شکننده می‌باشند. اگر چه به ظاهر این گروه پایدار و ماندگار به نظر می‌رسند، اما باید آن‌ها را جزئی از گروه‌های شکننده به لحاظ شغلی و حضور در ترمینال دانست، زیرا قرارداد شفاف و روشنی رابطه آن‌ها را با کارفرمای خود

تعریف نمی‌کند و گاه دستمزد خود را بر حسب سفر و روز دریافت می‌کنند. از منظر نسل در گروه مذکور رانندگان اغلب میانسال و کم‌ها عموماً از جوانان می‌باشند. گروه ناپایدار (مسافران): مسافران به‌گونه‌ای ناپایدار در ترمینال حضور و فضای آن را مصرف می‌کنند، ترمینال شرایط تعامل اختیاری و اجباری برای مسافران با یکدیگر، گروه‌های پایدار شکننده و پایدار در فضا فراهم می‌کند. در این نوع تعاملات و ارتباطات مسافر با فرد، فضا و اشیاء می‌توان ابژه‌ها و تمایزات و تشابهات نسلی را مشاهده و شناسایی نمود. از یک منظر می‌توان با توجه به متغیر جنسیت، سفر را مقوله‌ای مردانه تلقی کرد. مسافران مرد با آرامش و تردید کمتری به فضای ترمینال وارد و آن را مصرف می‌کنند. در مقایسه زنان با تردید و آکراه به‌گونه‌ای محتاط وارد می‌شوند. زنان در فضای ترمینال سعی دارند عموماً در موقعیت‌هایی قرار گیرند که دسترسی پذیری بصری بیشتری داشته باشند. زیرا این وضعیت هراس ناشی از بیریشگی و غریبگی فضای ترمینال را کاهش می‌دهد. البته عمده زنان جوان یا دختر در ورود و جایگیری و تصاحب در فضای ترمینال بیشتر شبیه مردان خصوصاً پسران جوان نسل سوم عمل می‌کنند.

از منظر نسلی گروه ناپایدار را می‌توان در قالب سه نسل دسته‌بندی و مشاهده نمود:

#### نسل اول (پیران)

این نسل در ارتباط با گروه‌های ناپایدار (مسافران) و گروه‌های پایدار و شکننده، اشیاء و محیط پیرامون دارای ویژگی‌ها و خصایص زیر می‌باشند. آن‌ها در ورود به ترمینال مردد و نگران به نظر می‌رسند، استقبال متجاوزانه جارچی‌ها آن‌ها را ناخرسند و به خشم می‌آورد (آن‌ها برای مسافرت علیرغم اصرار جارچیان به آن‌ها اعتماد نکرده و شخصاً به تعاونی مراجعه کرده و بلیط خود را تهیه می‌کنند (مشاهدات نگارندگان)، کمتر از جانب فروشندگان کالاهای ممنوعه مورد توجه قرار می‌گیرند. در فضاهای امن و خلوت جا گرفته و بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند؛ «که اشغال یا چیزی روی زمین باشه افراد مسن بیشتر توجه می‌کنند و معمولاً آن‌ها را برداشته و به سطل میندازن» (مصاحبه با کارگر خدماتی ترمینال) و تحرک و خرید کمتری دارند و برای صرف غذا در گوشه‌ای خلوت به داشته‌های بغچه و ساک خود قناعت می‌کنند و نمادهای فرهنگی و قومی خود را در قالب لباس و زبان و تعابیر خود به شهر می‌آورند و با خود می‌برند، یعنی اینکه مقاومت کرده و تسلیم نمی‌شوند. و متناسب با این وضعیت کمتر ابژه‌ها و کالاهای فرهنگی مصرف می‌کنند (مشاهدات و مصاحبه‌های نگارندگان ۱۳۸۶). نوع سفر: سفر آن‌ها به لحاظ مقاصد بیشتر از نوع اضطرار خانوادگی و پزشکی سلامت می‌باشند.

### نسل دوم (مسافران میانسال)

نسل دوم در ورود به این فضا بدون تردید بوده و در رابطه با گروه‌های شکننده حاضر در فضا علی‌الخصوص دست فروش‌ها و باربرها تعامل برقرار می‌کنند، زیرا عده کثیری از آن‌ها با مقاصد تجاری مسافرت می‌کنند. در ارتباط با تصاحب فضا این نسل از خرید و پرسه زدن ابایی ندارند، خرید فرهنگی آن‌ها معطوف به کتب و مطبوعات سیاسی، اجتماعی و کاست‌های موسیقی محلی و سنتی ایرانی است.

«حدوداً ده تا دوازده سال پیش جوونا بیشتر کتاب‌های سیاسی و اجتماعی مثل آثار شریعتی و سروش و کتابهای تاریخی می‌خریدند اما امروز بیشتر کتاب‌های مثل دانستنی‌های جنسی و روابط دختر و پسر، بالاخره کتابهای از این دست می‌خرند (مصاحبه با کتاب فروش ترمینال)».

حضور این نسل در نمازخانه ترمینال نسبت به نسل جوان که در اکثریت هستند بیشتر و بر خلاف نسل مسن بدون نشانگرهای سنتی (انگشتر، تسبیح و ریش و...) در نمازخانه حاضر بودند. و مردان این نسل نسبت به نسل اول از آرایشگاه‌ها و دستگاه‌های خدماتی (تلفن، خودپرداز و...) مستقر در ترمینال بیشتر استفاده می‌کنند.

### نسل سوم (جوانان)

این نسل با شوق و اشتیاق به ترمینال وارد شده و استقبال کنندگان متجاوز هم نسل خود را (جارچی‌ها) به خوبی می‌پذیرند و دعوت آن‌ها را اجابت کرده و بیشتر از جانب فروشندگان کالاهای ممنوعه مورد توجه قرار می‌گیرند. این نسل در ارتباط با فضا و محیط پیرامون بی‌توجه بوده و در ریختن آشغال و زباله ابایی ندارند، وضع موجود را پذیرفته کمتر معترض می‌شوند. شاکتی نبوده و بیشتر متشاکتی هستند. برخلاف نسل‌های بالاتر که در آن‌ها رگه‌هایی از شهروندی فعال مشاهده می‌شود بی‌تفاوت به نظر می‌رسند، به خاطر پویایی و جنب و جوش که از خصایص جوانی است در همه جای ترمینال حضور دارند و در طبقه هم کف با پرسه‌زنی و خرید و پتیرینی، تمایز خود را با نسل‌های مسن‌تر آشکار می‌نمایند. در خرید کالاها و ابژه‌های فرهنگی، مقوله بدن، سکس و آداب معاشرت و زناشویی و در بین آن‌ها به وضوح دیده می‌شود. «من بیشتر کتاب‌های نو می‌خریدم، کتاب‌های به روز مثل آئین همسرداری، روابط معاشرت دختران و پسران و روانشناسی زنان.» (جوان ۲۶ ساله و لیسانس).

«عناوین پر فروش کتاب‌های ما بیشتر روانشناسی، جنسی، پرورش اندام است البته ۵ و ۶ سال پیش بیشتر کتاب‌های روشنفکری مثل آثار شریعتی فروش داشت» یافته‌های نشان می‌دهد که نسل سومی‌ها جوانان به مسایل سیاسی علاقه کمتری نشان می‌دهند و این یافته با یافته‌های منادی (۱۳۸۶) دال بر علاقه و مشارکت کمتر جوانان نسبت به والدین در عرصه سیاست همسو می‌باشد (منادی، ۱۳۸۶: ۱۵۳)



«کتاب‌های روان‌شناسی، جنسی را هم‌اکنون معمولاً جوان‌ترها بیشتر می‌خرند و سال‌خورده‌گان بیشتر به کتب تاریخی علاقه‌مند هستند.» (مصاحبه با کتابفروش مرد).

دختران نسل سوم اگرچه با همان ولع پسران در محیط پرسه می‌زنند مجلات زن روز، خانواده سبز و کتاب‌های طالع بینی را و اگر خلوتی دست دهد کتب جنسی را انتخاب و خرید می‌کنند و گاه آنقدر برای خرید کتاب‌های جنسی پرسه می‌زنند تا در فضایی آرام بدون حضور دیگری کتاب را خرید کنند.

«دختران هم مثل پسرها به این کتاب‌های روابط دختر و پسر علاقه دارند، اما خجالت می‌کشند، معمولاً وقتی کسی نباشد می‌خرند.» (فروشنده محصولات فرهنگی، ۳۰ ساله).

دختران نسبت به پسران ولع بیشتر نسبت به استفاده از دستگاه‌های سنجش سلامت دارند. علیرغم نرخ بالای آرایشگاه مردانه جوانان برای اصلاح و آرایش خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. «۶ یا ۷ سال پیش یک سری کوتاه کردم و با شست و شو، آقا گفت ۱۰۵۰۰ تومان. کار به درگیری کشید و به زور، ۲۵۰۰ دادم و الان مطمئن هستم ۲۷۰۰۰ تومان بابت اصلاح سر و شست و شو می‌گیرند.» (مرد ۲۶ ساله).

فرهنگ بدن و مدیریت بدن به ایزدهی غالب این نسل مبدل شده است. این نسل مظنونان اصلی دیوار نوشته‌های<sup>۱</sup> ترمینال هستند و محتوای این دیوار نوشته‌ها در فضاهای باز عمدتاً از نوع دیوار نوشته‌های امضایی (دیوار نوشته‌ای که فرد نام و لقب خود را بر دیوار حک می‌کند) (ذکائی، ۱۳۸۶: ۸۵) این دیوار نوشته‌ها در فضاهای بسته مثل دستشویی‌ها محتوای سیاسی و جنسی دارند. این نسل، نسل فست فود<sup>۲</sup> و ساندویچ مصرف است. نسلی است که با خود چیزی به شهر نمی‌آورد خود را به فرهنگ مدرن تجسم یافته در تهران تسلیم کرده است؛ (بعضی اوقات با مسافران گفت و گو می‌کنیم جوانان شهرستان آمادگی پذیرش فرهنگ جدید را دارند و تشنه فرهنگ جدید هستند می‌گن ایکاش ما هم توی این محیط‌ها بودیم یعنی شهر تهرون» (مرد ۳۵ ساله فروشنده). نوعی سفر فراغتی در بین جوانان مشاهده می‌شود جوانان برای تماشای فوتبال (استقلال- پیروزی و...) به مقصد تهران مسافرت می‌کنند. این مسافرت‌ها عمدتاً به صورت دسته جمعی در بین هواداران جوان شهرستانی دو تیم پیروزی و استقلال وجود دارد.

«هرروز که استقلال یا پیروزی بازی داشته باشه اینجا خیلی شلوغ میشه، جوانای شهرستانی خیلی میان بلیط گیر نیامد و خیلی مشکل داریم، توی اعیاد، تعطیلات شب یلدا که معمولاً جوون و پیر همه هستن» (مصاحبه کارگر خدماتی).

1. Graffiti  
2. fast food

بلوتوث بازی به نوعی خصیصه این نسل و نشانگر علایق آن‌ها به روابط و فراغت مجازی<sup>۱</sup> می‌باشد. فضایی بلوتوثی فضایی جوانانه، جنسی و سکس است. روحیه مبادله «همتا به همتا» در قالب بلوتوث‌های با مضامین «بفرست تا بفرستم جیگر، از اینها بفرست، فیلم ایرانی می‌خوام و...» با پس زمینه‌ای از تصاویر جنسی نمود پیدا می‌کند. به عبارتی تلفن همراه بخشی از مصرف فراغتی جوانان است و شاید بتوان استدلال نمود که «به آینده فرهنگ مصرفی سخت گره خورده است» (سعیدی، ۱۳۸۷).

### جدول (۲): ایزدهای نسلی

| نسل‌ها          | ایزدهای نسلی  |
|-----------------|---|
| اول «پیران»     | هراس اخلاقی - مقاومت در برابر فرهنگ مدرن - حمل ایزدهای سنتی (تسبیح، انگشتر، کلاه و لباس محلی)، مصرف غذای همراه خود، توجه به بحث‌های تاریخی، سفر مردانه، شهروند فعال و مسئول، هدف سفر: (زیارتی، خانوادگی و درمانی)، قانع و محتاط در مصرف.  |
| دوم «میانسالان» | ورود بدون اضطراب - مردد در برابر فرهنگ مدرن - خرید فرهنگی (کتاب و مطبوعات سیاسی و اجتماعی) - شهروند فعال - هدف سفر (تجاری، کاری، آموزشی و مأموریتی و خانوادگی زیارتی).  |
| سوم «جوانان»    | ورود مشتاقانه - استقبال و پذیرش - فرهنگ مدرن - توجه به بدن در خریده‌ها و مصرف - پرسه‌زنی و مصرف ویتزینی - غذای سرپا و ساندویچی <sup>۲</sup> - توجه به کالاهای فرهنگی، هدف سفر: (آموزشی، فراغتی و خانوادگی، زیارتی) - حمل موبایل و استفاده از آن خصوصاً بلوتوث و چت، و... سفر کور جنس. |

### نتیجه‌گیری

در مطالعات مربوط به نسل و روابط نسلی زندگی روزمره در فضاهای عمومی کمتر مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. در این میان فضاهای حمل و نقلی خصوصاً ترمینال‌های مسافری بیشتر مورد غفلت واقع شده‌اند؛ غالباً ترمینال‌ها را گذرگاه‌هایی مملو از کنشگران بی‌ریشه‌ای تلقی می‌کنند، که بعد از درنگی کوتاه و اجباری چراغ خاموش، بدون مبادله و تعامل با افراد و محیط پیرامون از آن گذر می‌کنند و ما بیشتر شاهد "گذر و عبور" هستیم تا "توقف و تعامل". اما ترمینال به مثابه "فضای عمومی" بستری برای تعامل "اجباری و اختیاری" گروه‌های سه‌گانه فراهم می‌کند و این فضا با در هم شکستن تمایزات و پیوندهای اولیه (قومی و خویشاوندی و...) و برجسته کردن تمایزات و پیوندهای ثانویه (سبک‌زندگی و مصرف و...) تمایزات و پیوندهای نسلی را به خوبی آشکار می‌سازد. بنابر یافته‌ها و ادبیات نظری مقاله نسل‌های سه‌گانه (پیر،

1. Eyberntic Leisare  
2. Fast Food

میانسال و جوان) دارای ابزارهای خاص خود بوده و در این میان ابزارهای نسل جوان در قیاس با نسل‌های پیر و میانسال بیشتر لوکس متکثر، فرامادی و بدن محور به نظر می‌رسد؛ علاوه بر تمایزات مذکور نسل‌های پیر، میانسال و جوان به لحاظ جایگیری در قالب گروه‌های سه‌گانه (پایدار، ناپایدار و شکننده) نیز دارای تمایزات آشکاری می‌باشند.

حال دو گروه عمده پایدار و ناپایدار حاضر در این فضا به اشکالی گوناگون در صدد تصاحب و مصرف این فضا هستند. گروه‌های پایدار متشکل از نیروهای نظارتی، خدماتی و فروشندگان دارای جایگاه رسمی و تعریف شده هستند. اما باز بودن ترمینال که منجر به پذیرش مزاحم، متجاوز و میهمانان خوانده و ناخوانده می‌شود، موجب حضور گروه‌هایی در این فضا می‌شود که جایگاه تثبیت شده و تعریف شده نداشته و به تعبیر «ژوزف» گروهی هستند که آزادی رفت و آمدشان را واگذار نکرده‌اند. در این گروه می‌توان به دسته‌هایی مثل پرسه‌زنان، دستفروشان، باربر، راننده، دله دزد، روسپی و متکدی اشاره کرد.

این گروه به استثنای رانندگان و کمک‌هایشان تعاملات و جایگیری‌های نامنظم متناسب با شرایط (امنیتی، اقلیمی) در فضای ترمینال دارند؛ غلبه در گروه شکننده با نسل سوم (جوانان) و دوم (میانسالان) است؛ نسل سوم در شکل پرسه‌زنی دختران فراری، دله دزد، جارچی، کمک‌راننده و گاه روسپی، دستفروش و باربر ظاهر می‌شوند و نسل دوم این گروه بیشتر در غالب دسته‌های دستفروش و باربر، زنان این نسل بخش وسیعی از زنان روسپی را تشکیل می‌دهند.

گروه‌های ناپایدار که متشکل از مسافران روزانه ترمینال می‌باشند، در این فضا به‌گونه‌ای اجباری و اختیاری به تعامل با افراد و اشیاء و فضای پیرامون پرداخته که با جاگیری در فضا و مصرف آن خرید حمل و مصرف ابزارهای خاص و کنش با دیگران تمایزات نسلی خود را مشخص و به باز تعریف ابزارهای نسلی خود می‌پردازند.

اگر چه در میان ابزارهای نسلی تفاوت مشهودی مشاهده می‌شود اما برخی از ابزارها به مثابه ابزار پیوند نسلی عمل می‌کنند. واگرهای نسلی (تمایز نسلی) شناخته شده در این مطالعه عبارت بودند از: بدن، فراغت، فضای مجازی و مصرف؛ در مقابل همگرهای نسلی (عوامل پیوند نسلی) عبارتند از: خانواده و مذهب و نظام سیاسی (آزادارمکی، ۱۳۸۸). مطالعه حاضر نشان می‌دهد که اگرچه ما شاهد تمایزات و تفاوت‌های نسلی هستیم، اما تمایزات مذکور به دلیل وجود همگرهای نسلی نظیر "خانواده" و "مذهب" به انقطاع نسلی منجر نشده است. «جامعه ایران به لحاظ ساختاری به‌گونه‌ای طراحی شده است که نسل‌ها از طریق خانواده و دین و دیگر نهادهای اجتماعی به یکدیگر وابسته شده و امکان انفکاک و انقطاع نسلی از بین رفته است»

(آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۷). البته با ورود به جامعه فراغتی و مصرفی احتمال تقویت وا گراهای نسلی شدت می‌گیرد.

### جدول (۳): واگراها و همگرایی‌های نسلی

| شاخص          | ابژه‌های نسلی                |
|---------------|------------------------------|
| واگراهای نسلی | بدن، فراغته فضای مجازی، مصرف |
| همگراهای نسلی | خانواده، مذهب و نظام سیاسی   |

خلاصه آن‌که در ترمینال زندگی روزمره در بستر فضایی باز ناهمگن و درهم نمود پیدا کرده که در آن روابط و تمایزات نسلی به‌گونه‌ای عریان و واقعی‌تر نمود پیدا می‌کند. گروه‌های سه‌گانه (پایدار، شکننده و ناپایدار) به‌گونه‌ای اجباری و اختیاری به تعامل با افراد، اشیاء و فضای پیرامون پرداخته و با جایگیری در فضا و مصرف آن، خرید، حمل و مصرف ابژه‌های خاص و کنش با دیگران تمایزات نسلی خود را مشخص و به باز تعریف ابژه‌های نسلی خود می‌پردازند. به عبارتی در ترمینال زندگی روزمره در بستر فضایی باز ناهمگن و درهم نمود پیدا کرده و محصول این فضا تعامل، مصرف و تمایز است که روابط و تمایزات نسلی را در عریان‌ترین شکل خود متبلور می‌سازد.

## منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶) «فرایند تغییر نسلی، بررسی فرا تحلیلی در ایران»، نشریه جوانان و مناسبات نسلی شماره اول.
- ----- (۱۳۸۸) **جامعه‌شناسی مناسبات نسلی در ایران**، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- آزادارمکی، تقی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶) **جامعه‌شناسی نسلی در ایران**. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آزادارمکی، تقی. غیاثوند، احمد (۱۳۸۳) **جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران**. تهران: انتشارات آن.
- آقاجری، سیدهاشم (۱۳۸۲) **انقطاع نسل‌ها- انسداد نسل‌ها** در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناختی، سیاسی، تاریخی و ادبی به اهتمام علیخانی، علی اکبر. پژوهشکده علوم انسانی و جهاد دانشگاهی.
- پالس، کریستوفر (۱۳۸۰) "ذهنیت نسلی (دیدگاه روانکاوانه درباره اختلاف نسل‌ها)"، فصل‌نامه فلسفی ارغنون، ش ۱۹.
- بهار، مهری (۱۳۸۶) "ایژه‌های دینی و هویت نسلی در ایران با تکیه بر ایژه‌های عزاداری"، فصل‌نامه مطالعات ملی، ش ۲۹، سال هشتم. ش ۱.
- داندکار، همالاتا (۱۳۸۱) "روش‌های کیفی در برنامه‌ریزی شهری"، پیرزاده، حسین. فصل‌نامه جستارهای شهرسازی، ش ۳.
- دهقان، علیرضا، نیک بخش مرسده (۱۳۸۵) "مطالعه شیوه رفتار افراد در محیط مجازی: شکل‌گیری روابط صمیمانه در اتاقهای گپ زنی اینترنت"، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۶.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱) «نظریه و روش «تحقیق کیفی»»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، ش ۱۷.
- ----- (۱۳۸۶) **فرهنگ مطالعات جوانان**، تهران: آگاه.
- ربانی، رسول (۱۳۸۵) **جامعه‌شناسی شهری**. تهران: سمت.
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۷) "بازاندیشی مصرف‌کننده یا مصرف‌تظاهری در ارتباطات سیار"، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۴.
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۷) "بازاندیشی مصرف‌کننده یا مصرف‌تظاهری در ارتباطات سیار"، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱) **روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی**. ترجمه ثلاثی، محسن. تهران: مؤسسه تبیان.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۶) **مبانی جامعه‌شناسی جوانان**، راسخ، کرامت‌الله. تهران: نشر نی.

- عبدالهیان، حمید (۱۳۸۲) **تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران**، درنگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، تاریخی، سیاسی و ادبی، به اهتمام علیخانی، علی اکبر. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- علیرضا نژاد، سهیلا. سرابی، حسن (۱۳۸۶) "زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن"، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) **انسان‌شناسی شهری**. تهران: نشر نی.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳) **جامعه‌شناسی شهر**. نیک گهر، عبدالحسین. تهران: آگاه.
- کاظمی، عباس. ابادری، یوسف (۱۳۸۳) "زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران"، فصل‌نامه انسان‌شناسی، ش ۶.
- کرایب، یان (۱۳۸۳) **نظریه اجتماعی کلاسیک**، شهناز مسمی پرست. تهران: آگاه.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۶) **جامعه‌شناسی جوانی**، جزوهٔ درسی کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۶) "اوقات فراغت و چالش‌های جهانی‌شدن مقایسه دو نسل"، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۳.